



آیت الله مشکینی

خدمت

انبیا اساتید رسمی بشر

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله والصلوة على نبيه وآله

در مقاله های گذشته که سخن از مریبان بشر در میان بود سومین گروه از معلمان او را انبیا ذکر کردیم. این گروه عظیم که سوابق خدمات بی پایانشان از حیطة شمارش بیرون است دارای اسامی و القاب مختلف و هر نامی مظهر مقامی و هر اسمی حکایت از فضیلتی و هر لقبی کنایت از تیوغ و کمالی دارد. اینان انبیا هستند یعنی آگاهان و آگاهی بخشندگان، رسل هستند یعنی اعزامیها از طرف ذات ربوبی به منظور هدف عظیم خلقت، سفرا هستند یعنی انتخاب و تعیین شده اند کشور آدمیت از سوی ذات اقدس حق برای رسیدگی به همه امور سیاسی و اجتماعی طوائف بشری، خلفا هستند بمعنی جانشینان ذات مبارک الهی که دانش سرشارشان نمونه ای از علم و اخلاق کریمه آنها حاکی از جمال حق و قداستشان از آلودگی گناه و خطا روشنگر اسم سبحان خداوند، حجج الهی هستند بمعنی اتمام کننده حجت و قطع اعتبار هر بهانه جوئی که در محکمه عدل الهی مدعی جهل و اشتباه و

دیگر عذرهای غیر موجه در ارتکاب جنایات و ترک وظایف لازم خود میباشند، اولیا هستند بدین معنی که جامعه انسانی در مسیر زندگی خود پیش نیازمند سرپرستی آگاه و بینا و آزموده و دانا لازم دارد تا اطفال محوطه جهان را ولایت و حمایت کند و از هر سقوط و انحطاط محافظت نماید، و بالاخره آنان ائمه و رهبران اند که قافله انسانها را هادی گردند و تحت حکومت عادل درآورند و از اعضاء و افراد این موجود عجیب طبقات مختلفی برای اداره نظام اجتماعی و سیاسی و اقتصادی خویشان لایقترین را برگزینند تا همه را زیر لواء وحدت منظور از خلقت درآورند و تشکل و انسجام بخشند و جهان را مدینه فاضله سازند تا ناآگاهان بیدار شوند و هشیاران تکامل یابند و کاملان بحرکت افتند و متحرکان بشتابند و متسارعان نزدیک شوند و نزدیکان رؤیت کنند و رؤیت کنندگان محبت یابند و محبان عاشق گردند و عاشقان بوصول آیند وواصلان بوجد آیند و آن شوند که غرض بود و آن باشد که هدف است.

و بالجمله اساتید رسمی بشر و معلمان قانونی این طبقه انبیا الهی و پیام آوران حضرت حق اند. قبل از هر چیز طبق دستور حق بر همه انسانا

شناخت این گروه عظیم لازم است و بی تردید اگر چنانچه جوامع بشری ایشان را ولو در خور استعداد فکر خویش میشناختند گمان نمی رود احدی از انسانها از فرامین این گروه سر باز میزد و فرمانی از آنها را مخالفت می نمود. همه بلیات و انحرافات و سقوط و انحطاط جامعه از روز اول از این مطلب نشأت یافت که معلمان حقیقی خویش را نشناختند و جهل و هوا و شیطان و هوس آنها را از نزدیکی و دیدار و تماس و تفاهم با آنها جلوگیری شده و ایتم بشر و یتیمان سرگشته این طائفه از این پدران روحی مهر بانتر از پدر و معلمان معنوی دلسوتر از مادر دور افتادند، بشر باید بداند که انبیاء عظام الهی کسانی هستند که خداوند از آنان چنین یاد میکند:

آنها فرستادگانی هستند که نشانه های توحید را بشما بازگو میکنند.

آنها کتابها و آیات مرا بسوی شما می آورند.

آنها برای همه جوامع بشری مجسمه رحمت و عظمت من اند.

آنها خود قبل از هر گروهی ای توحید و آیات و کتابهای من ایمان آورده اند.

آنها شمارا بسوی هدفی حیات آفرین دعوت می کنند.

آنها را بسوی شما تنها بمنظور ابلاغ احکام و رساندن هدف اعزام داشتیم. بر شما لازم است که گفتار و رفتار و هر حرکت و سکون آنان را الگوی زندگی خود قرار دهید.

آنان برای شما کتابهایی پاکیزه تر از نور تلاوت می کنند.

آنها در همه وعده ها و نویدهای خویش بی تردید صادق و راست گویند.

آنها در مقابل همه اهانتها و تکذیب و توطئه ها ثابت و صبور و استوارند.

آنها برنامه ای هدایت بخش و حیات آفرین بر شما عرضه میدارند.

ما آنها را بدین منظور اعزام داشتیم که فرامینشان را مویسوا اجرا نمائید و ما خود در این اجرا به آنها و به شماها کمک غیبی خواهیم نمود.

ما آنها را از میان هر ملت بزبان خود بر مردم مبعوث کردیم.

ما بنمام آنها معارف حقیقی و برنامه های سودمند بشری را بوسیله وحی و تعلیمات غیبی آموختیم.

اولین دستور ما برای آنها این بود که مردم را به شناخت و پرستش ما دعوت نمایند و چنین کردند.

ما بآنها گفتیم که بشرها را از غضب و عذاب من بیم دهند.

ما آنها را در روز واپسین بنمام گفتار و رفتار شما گواه خواهیم گرفت.

ما در اعزام آنها چنین بودیم که از روز اول تمدن و اجتماع بشری پایمی و لایق قطع آنان را بسوی مردم گسیل داشتیم.

ما در تمام نقاط حساس ابلاغ و انجام وظایف کمکهای لازم را از آنان دریغ نداشتیم.

ما آنها را بدین منظور برانگیختیم که شما در تمام مراحل اختلاف و درگیری خویش مشکلات خود را با آنها ارجاع نمائید.

آنها هر معجزه و نشانه و آیه ای را که بشما عرضه داشته اند همگی از طرف ما و بدستور ما بوده.

همه آنها را ما انتخاب کردیم و ما در انتخاب خویش دارای اختیاریم و احدی را در این مرحله حق دخالت نیست.

آنها همگی نه فقط عادل اند یعنی به عمد مرتکب گناه و خلاف نمی شوند، بلکه همه آنان بدون استثنا معصومند بدین معنی که تحت مراقبت الطاف الهی خطا و اشتباه و غفلت و نسیانی نیز از آنان در موضوع دریافت احکام الهی از طرف حضرت حق و همچنین در مرحله حفظ و ابلاغ آنها و بالاخره در مرحله عمل خودشان رخ نمی دهد چه در ایام رسالت و اوقات پیامبری و چه در زمان قبل از آن و در عصر طفولیت.

آنها علوم و دانش فراوان دارند و در همه رشته هائی که بشرهای زمانشان بدان نیاز دارند آشنائی دارند و متخصص تر از همه اهل زمان خویش هستند. و جالب توجه آنکه آنها نه مدرسه رفته اند و نه استاد دیده اند و نه درسی از معلمی غیر از انبیاء سابق خویش فرا گرفته اند، علم آنها لدنی و ذاتی و الهی است و هیچگاهی از هیچ دانشی غفلت و نسیانی بر آنها عارض نمی شود.

آنها که معلمان جامعه و مأمور ابلاغ و وظایف و برنامه های حق میباشدند آنچنان مأموریت دارند که باید با همه مشکلات مبارزه کنند و در انجام وظایف تا پای جان بایستند و دریاده کردن کوچکترین فرمان الهی از همه هستی خویش که از آنجمله وجود خویش است بگذرند و باید لغت تقیه را از قاموس زندگی خویش حذف کنند و البته چنین بودند و چنین کردند.

و بالاخره آنها مبلغان و معلمان و مربیان و داعیانی هستند که در مرحله اول از (لا) و نه شروع می کنند تا بمرحله (ال) برسند و این روش را نخستین فرد آنها بکار بسته و دنبال وی یکایکشان چنین بوده اند، آنها در وهله اول دعوت بسوی طاعت و تان و ستمگران و ظلم پیشگان و جنایتکاران و استبداد منشان رو آورده و گاهی یک تنه و بدون یاور و معین بزرگترین قدرت استبدادی را و جبهه همت قرار داده و بسوی آنان حمله برده اند و با قدرت منطلق و نیروی ایمان آنچنان پورش برده اند که هیمنه حقشان صولت باطل را درهم شکسته و قوت حقیقتشان قنطره مجاز را فروریخته است و این است که خدا میفرماید

«بل نقذف بالحق علی الباطل فیدمعه فاذا هو زاھق» ما با شمشیر حق آنچنان بر فرق باطل بکوبیم که مغزش متلاشی شود و راهی دیار عدم و نیستی گردد.

آری، آنها بهمه ماسوی الله نه گفتند هوای نفس نه هوس نه منیت نه عقاید انحرافی نه اخلاق رذیله نه پندار و گفتار و کردار ناروا و هر پلیدی نه و هر غیر حق نه و هر طاعت و نه و هر استبداد و استثمار نه و هر سلطه جنونی و سلطه پذیری نه و بالاخره «لا اله الا هو ولا معبود غیره»

علی «ع» میفرماید «انبعث فیهم النبیین مبشرین و منذرین لیهلک من هلک

عن بسنة ويحسى من حى عن سنة وليعمل العباد عن ربهم ما جهلوا وعرفوه برويته بعد ما انكروا ويوحده بالالهية بعد ما اهدوه خداوند طائفه انبياء را برانگيخت که مردم را برحمت بالغه حق بشارت و از عذابش بیم دهند که هالکان راه باطل و سالکان راه حق هر دو بحجت خویش آشنا شوند و عذری بر احدی باقی نماند.

بدان جهت برگزیدیم که پلیدی جهل و نادانی از محوطه مغز بشر زدوده گردد و مقام شامخ ربوبیت حق را دریابند و از لجنزار انحراف و انکارشان رها شوند، توحید را پس از آنکه بر افکار وجودشان شرک و نفاق حکومت داشت فراگیرند.

و نیز میفرماید: خدای بزرگ از این طائفه در برابر ابلاغ همه شئون وحی پیمان استوار گرفت و بر تبلیغ مأموریت خویش مسئولیت امانت را بر عهده آنها نهاد و پیمانی بدتبال هم در تعقیب این امر آنها را موکل فرمود آنها مردم را از حقایق مرموز وجدان و اسرار نهفته فطرت آگاه ساختند و سپس بهمان ثروت معنوی مکتون خویش پیمان گرفتند. و بصراحت گفتند: که شما بشرها چنین فطرتی را دارید و باید از آن غفلت ننمائید. آنها هزاران دلیل و حجت بر مدعای خویش اقامه کردند و تمام خزائن معارف و صفات و دقایق گنجینه های معجون در ذات

انسان را با بیان بلیغ آسمانی و زبان فصیح اعجاب انگیز روشن و هویدا ساختند و همه آیات قدرت حق را در اینکه چنین خزائنی در وجود محدود بشریت نهفته است به منصفه ظهور آوردند و در مرآی و منظر خردهای انسانی قرار دادند. آنها در انجام وظایف خطیر خویش نه از کمی یاور و انصار هراسیدند و نه از کثرت دشمنان و انبوه مکذبین و زورمندان و زراندوزان.

و بالجمله از سخن دور افتادم، مسأله این بود که انبیاء معلمان بشرانند و مناسب آن بود که از کیفیت تعلیم و نحوه تدریس این آموزگاران راستین سخن گوئیم. لکن پرواضح است که باید ابتدا ولو بنحو اجمال بشناسیم که همه عرایضمان در باره شناسائی آنان قطره ای ازیم و رشحه چون نم نخواهد بشود من از مقام عظیم و ارواح پاک آنان جدا استمداد میجویم که با اشاره ی چشمی این بی مقدار را کمک کنند و از ریزش الطاف خویش این علف بی نفع عالم تکوین را حیات بخشند، باشد در آینده قطره ای از اقیانوس بیکران مقامشان را بازگو نماید و شتوندگان محترم را یاری دهد و صلی الله علیهم اجمعین لاسیما علی نبینا الاعظم سیدهم و خاتمهم و علی آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم الی یوم الدین

امیر المؤمنین علی (ع) در اولین خطبه نهج البلاغه درباره انبیا علیهم السلام چنین می فرماید:

وَاصْطَفَى سُبْحَانَهُ مِنْ وَلَدِهِ أَنْبِيَاءَ أَخَذَ عَلَى الْوَحْيِ مِيثَاقَهُمْ ،
 وَعَلَى تَبْلِيغِ الرِّسَالَةِ أَمَانَتَهُمْ ، لَمَّا بَدَّلَ أَكْثَرُ خَلْقِهِ عَهْدَ اللَّهِ إِلَيْهِمْ ،
 فَجَهَلُوا حَقَّهُ ، وَأَتَّخَذُوا الْأَنْدَادَ مَعَهُ ، وَأَجْتَالَتْهُمْ الشَّيَاطِينُ عَنْ
 مَعْرِفَتِهِ ، وَأَقْتَطَعَتْهُمْ عَنْ عِبَادَتِهِ ، فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ ، وَوَاتَرَ
 إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ ، لِيَسْتَأْذِنُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ ، وَيَذَكِّرُوهُمْ مَنْسِي نِعْمَتِهِ ،
 وَيَحْتَجُّوا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِيغِ ، وَيُشِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ ، وَيُرْوَهُمْ
 آيَاتِ الْمَقْدِرَةِ : مِنْ سَقْفِ فَوْقَهُمْ مَرْفُوعٍ ، وَمِهَادِ تَحْتَهُمْ مَوْضُوعٍ ،
 وَمَعَايِشِ تُحْيِيهِمْ ، وَأَجَالِ تُفْنِيهِمْ ، وَأَوْصَابِ تُهْرِمُهُمْ ، وَأَحْدَاثِ
 تَتَابَعُ عَلَيْهِمْ ، وَلَمْ يُخَلِ اللَّهُ سُبْحَانَهُ خَلْقَهُ مِنْ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ ، أَوْ كِتَابٍ
 مُنْزَلٍ ، أَوْ حُجَّةٍ لَازِمَةٍ ، أَوْ مَحَجَّةٍ قَائِمَةٍ : رُسُلٌ لَا تُقْصَرُ بِهِمْ
 قَلَّةٌ عَدَدِهِمْ ، وَلَا كَثْرَةُ الْمَكْذِبِينَ لَهُمْ : مِنْ سَابِقِ سُمِّي لَهُ مَنْ بَعْدَهُ ،
 أَوْ غَابِرِ عَرَفَهُ مَنْ قَبْلَهُ : عَلَى ذَلِكَ نَسَلَتْ
 وَسَلَفَتْ الْأَبَاءُ ، وَخَلَفَتْ الْأَبْنَاؤُ

